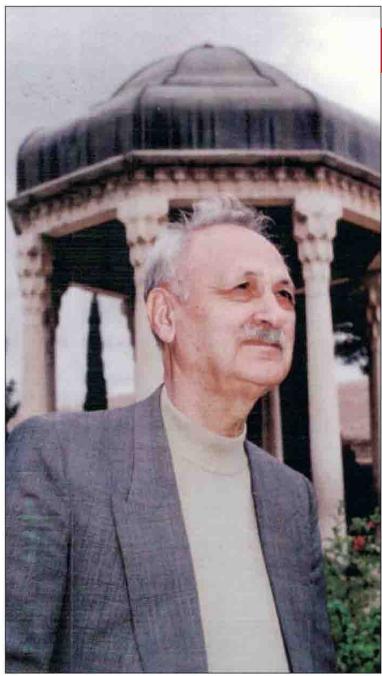


مروی متفاوت برگات نامورنامه، اثر دکتر زرین کوب

آنچه یک ایرانی باید از شاهنامه بداند



مثلاً هر چند می‌دانیم بخشی از تحلیل‌ها و برداشت‌های تویسند نامور نامه ذوقی است، اما سخنان ایشان چنان از دل برآمد که لاجرم بر دل ماهم می‌نشینند. مثلاً جون و چراوی پذیریم که فردوسی ابتداء ازستان بیزن و منیزه را سروهود و بعدها آن را به متن شاهنامه اضافه کرده است. داستانی که تحت تأثیر زندگی عاشقانه فردوسی باست زیاده مهمنا شد، است.

دید دکتر زرین کوب به نبرد رستم و اسفندیار هم جالب است، به اعتقاد ایشان «فردوسی به هر در پهلوان عشق می‌ورزد و دوست ندارد، هیچ یک از آنها حیثیت و آوازه پهلوانی خود را فدای زندگی نه چندان مطلوب بسازد». اما عاقبت دلش به کشته شدن اسفندیار رضایت می‌دهد چون «شکست اسفندیار از رستم نه فقط شکست خانواده شاهزادیک خاندان محلی بود، بلکه در عین حال شکست قهرمان آینین زرتشت در برابر پهلوان آینین کهن غیررزنشتی ببود. اما شکست رستم از اسفندیار، واقعه‌ای فجعه‌آمیزتر و غیرممکن تر محسوب می‌شد. شکست سنت های پهلوانی ایران در مقابل یک خاندان نوخاسته پادشاهی بود. شکست تمام تاریخ ایران در مقابل یک قهرمان دین تازه ببود. اگر رستم شکست می‌خورد تمام حمامه‌هایی که توسط پهلوانان پیش ازاوکسپ شده بود از این می‌رفت...» اگر بخواهیم نمودهای دیگری از این نگاه جذب و متفاوت به شاهنامه را ذکر کنیم باید کل متن کتاب نامورname را اینجا کمی پیست کنیم، اما سعی کردیم مشتی نمونه خروار آرائه کنیم و مطمئن باشیم که در اولین فرست، این کتاب ارزشمند را در فهرست بلند بالای مطالعات تان قرار می‌دهید.

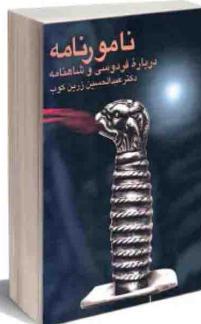
نامورنامه، درباره فردوسی و شاهنامه، تألیف دکتر عبدالحسن زرین کوب است که سال ۱۳۸۱ توسعه نشر شد.
سخنرانی: انتشار اتفاقه ایستادن

تحصیلکرده بوده و سواد خواندن و نوشتن داشته. البته متأسفانه این ایشان مشخص نیست و احتمالاً در کارت عروسیشان، عبارت دوشیزه و ابوالقاسم! ثبت شده بوده! از این مزاح‌های ادبی پکنیدم و برگردیدم به کتاب ارزشمند تماورنامه. زبان این کتاب، آن قدر ساده و روان است که خودتان هم باورنای نمی‌شود مطالب مهمی مثل نقش اساطیر در شاهنامه، تجلی نکات اخلاقی و معرفتی در آن، مقایسه مفصل شاهنامه با حماسه‌های سایر سرزمین‌ها و تحلیل و تفسیر داستان‌های مشهور شاهنامه را یک سرمه بخواهند و بفهمید و لذت ببرید. مثلاًین نیکته مهم و خفن! درباره منشاً حماسه را داشته باشید: «می‌توان گفت شعر حماسی از یونان باستان به وسیله شاعران خنیاگری که آنیدس نام داشتند شروع شده است. مانند داستان‌های ایلیاد و ادیسه که اشعار آنها مجموعه ترانه‌های باستانی بوده که حدود ۸۰۰ سال پیش از میلاد عده‌ای اهل ذوق گردیدند».

بجهای این کند کتاب و مقاله درباره شاهنامه بخوانید.
فامورنامه را یک بار با دقت بخوانید. با مطالعه این کتاب،
با تیک چند نشان می‌زنید؛ یعنی علاوه بر آشنایی بیشتر
با شاهنامه خودمان، خلاصه حماسه‌هایی مثل ایلیاد،
او دیس، انهاید راه می‌خواهد.
یکی از سوال‌هایی که ممکن است در حین خواندن
شاهنامه برایمان پیش بیاید این است که آیا استان‌ها
و شخصیت‌های این اثر سترگ، واقعی هستند یا
افسانه‌ای؟ پرسشی که داد جناب زرین‌کوب را درآورده
و پاسخ روشن و البته عصیانی طوری اراکه است:
『پارهه از مردم کوتنه نظر (دور از جان ماها!) روايات
شاهنامه را به کلی عاری از حقیقت یا آمیخته با افسانه
دانسته و به استناد این فکر از عظمت و اهمیت
آن غافل مانده‌اند. شک نیست که مباداً تاریخ
هد قمه و ملت، با اساطیر و افسانه‌های سخیف

امیخته است. از چین و هندوستان گرفته تا یونان و روم و از ملل زمین گرفته تا اقوام سامی، آغاز تمدن همه امم جهان در ظلمت افسانه سیری می کند و با این حال آن اساطیر و افسانه های واپسی تا مدتها دراز در اذهان مردم رسوخ و نفوذ داشته است... صرف نظر از صحت و سقم روایات فردوسی، تا آن گاه که مردمی جمشید و گیک باد را از خود دانسته و گورز و رستم را پهلوان قومی خود می شمردند و به مثأر آنان افتخار کرده، به وجودشان مهر و علاقه می ورزند. رابطه قومی با یکدیگر دارند و ایرانی محسوب شوند. بنابراین شاهنامه قصه باشد یا تاریخ حقیقت باشد یا افسانه، جهت جامعه ملت ایران و بنیان قومی ملیت ایرانی محسوب می شود.

شاهنامه
شناسنامه ملی
ماست و اگر
بهم من باشد
من گوییم کسی که
یک دور شاهنامه
را نخواسته باشد
حق ندارد ادعای
وطن پرستی کند



﴿وقتی از شاهنامه صحبت در میان منصوره رضایی
می‌آید، آنچه مورد بحث و داوری است دانشجوی دکتری
یک کتاب یا یک شاعر نیست؛ بلطف زبان و ادبیات فارسی
ملت، یک فرهنگ و یک دینی است.»
کتاب «نامورنامه» اثر دکتر عبد الحسین زرین کوب با این جمله شاهکار شروع شده. البته از آنجاکه پشت سر هر مرد موفق یک زرین کوب، در مقدمه کتاب، این جمله را از ایشان نقل کردند. جمله‌ای که خلاصه و چکیده تمام تعریف و منجمیدها و حرف و حدیث‌ها درباره شاهنامه است. شاهنامه، شناسنامه ملی ماست و اگر به من باشد چو گویم کسی که یک دور، شاهنامه را نخوانده باشد حق ندارد ادعای وطن پرستی و آرایی گرایی! کند.

حتماً می‌دانید کتاب‌های خیلی زیادی درباره شاهنامه و فردوسی نوشته شده است، اما به نظر بند، بهترین کتابی که شما را با زندگی و زمانه فردوسی و دیانی شاهنامه آشنا می‌کند همین کتاب نامور نامه دکتر زرین کوب است که با نوچه به ویرگی های مخاطب ایرانی، یعنی ماهها نوشته شده است. مثلاً محال است ایرانی باشی و مطالعه بیوگرافی یا زندگینامه آدمهای مهم و مشهور جزو علاقه‌مندی‌های انسانی باشد! اگر دکتر زرین کوب هم به این علاقه کنجکاو‌انه طور کنگاه بوده و اطلاعات جالبی درباره زندگی شخصی فردوسی می‌دانیم تا این اطلاعات رانگوییم ذهن و ضمیرتان به ادامه مطلب متوجه نمی‌شوید! پس نقداً بدانید جناب فردوسی نسبت به زمانه خودشان سستاً دیر! در سالانگی ازدواج کرده‌اند. فلان‌ذین پس در جواب افرادی که علاقه کنجکاو‌انه طوری به زندگی شخصی شما دارند و نگران بالا رفتن سن ازدواجتان بودند به تو چه یا به کسی مربوط بایلوز منوش به جمله مؤبدانه به تو چه یا به کسی مربوط نبینیست! همین جناب فردوسی را مثال بزنید که دیر ازدواج کرد ولی خوب ازدواج کرد! گویا همسر ایشان هم در یک خانزاده اصی بود، رافتنه بدهد! حمداً، آددهه زمانه

مفقودی آئھے